

پیش از ازدواج بخوانید

بادابادا مبارک بادا؟ به این زودی؟ ندیده و نشناخته؟ همین که يك مراسم خواستگاري برگزار شد ...



جام جم آنلاین: بادابادا مبارک بادا؟ به این زودی؟ ندیده و نشناخته؟ همین که يك مراسم خواستگاري برگزار شد تا يکي دو هفته ديگر قول و قرار عروسي مي‌گذاريد؟ فکر نمي‌کنيد نياز داريد بيشتر يکديگر را ببينيد و با ويژگي‌هاي هم آشنا شويد؟

عجله نکنيد! دست نگه داريد. آدم‌ها براي خريد خانه يا ماشيني که معمولا مدت محدودی از زندگي‌شان را با آن مي‌گذرانند مدتي تحقيق مي‌کنيد پس چگونه براي ازدواج با کسي که قرار است تا پايان عمر با او زير يك سقف زندگي کنيد، به سرعت و بدون شناخت دقيق اقدام مي‌کنيد؟ قانع شديد؟ حالا که تصميم گرفتيد طرف مقابل را بهتر و بيشتر بشناسيد، ما هم در اين مطلب، معيارهائي را که بايد با آنها همسر احتمالي‌تان را در آینده بسنجيد براي‌تان شرح مي‌دهيم.

حق دارم عاشقش باشم؟

آيا مي‌شود در مرحله شناخت پيش از ازدواج عاشق کسي شويم؟ براي آن که پاسخ اين پرسش را خودتان کشف کنيد، مثالي در اين زمينه مي‌زنيم.

تا به حال براي‌تان پيش آمده است که از لباس يا کفشي پشت وپتيرين فروشگاهي خوشتان بيايد؟ منظورمان البته يك علاقه معمولي نيست منظورمان مجذوب شدن است يعني وقتي که به وپتيرين مغازه‌هاي مي‌چسبيد و مي‌گويد «يا اين يا هيچي!&

اين‌طور وقت‌ها اگر دوست يا آشنائي همراه‌تان باشد شايد با شما هم‌عقيده شود که آنچه شما پسنديده‌ايد بهترين و بي‌نظيرترين جنس مغازه است و بنا بر اين ترغيبتان مي‌کند که بخريدش، اما اين امکان هم وجود دارد که بگويد «نه! آنقدر خوست آمده که حواست نيست اين جنس اشکال دارد... چرا چشمت را باز نمي‌کني...&

برخورد اول اين است که بگويد «درست مي‌گويي. آنقدر خوشم آمده بود که به اشکالاتش توجه نمي‌کردم...& شايد هم ذوق‌زده‌تر از آن باشيد که بخوايد به حرف‌هاي همراهتان توجهي کنيد و پاسخ بدهيد «به هر حال از اين خوشم آمده... تو اشتباه مي‌کني... آنقدرها هم اشکالاتش بزرگ نيست.&

آن‌وقت اگر او تلاش کند اشکالات لباسي را که انتخاب کرده‌ايد بگويد شما هم سعي مي‌کنيد او را از هر راهي که شده قانع کنيد مثلا او مي‌گويد: «اين لباس شور مي‌رود& شما مي‌گويد: «اشکالي ندارد. جاي کوتاه‌تر شدن دارد...&

او مي‌گويد: «رنگ پس مي‌دهد& شما لبخند مي‌زنيد: «اتفاقا کم‌رنگ تر هم بشود قشنگ است.& او مي‌گويد: «دوختش افتضاح است... ناشيانه دوخته شده...& شما پاسخ مي‌دهيد: «خياطش کمي بي‌دقتي کرده، اما قابل چشمپوشي است& او مي‌گويد: «پاره است!& شما مي‌گرديد: «لباس پاره اصلا مد است& مي‌گويد: «دو سايز براي کوچک است& با بغض مي‌گويد: «خب رژيم مي‌گيرم!&

خلاصه اين که آنقدر دليل مي‌آوريد تا دست آخر طرف مقابل از رو برو و تسليم شود. همين که لباس را مي‌خريد و به خانه مي‌آييد و پرو مي‌کنيدش پشيمان مي‌شويد. آه مي‌کشيد، به خودتان لعنت مي‌فرستيد و مي‌گويد کور بودي که انتخابش کردی.

پاسخ پرسش‌تان را درباره اين که آيا عاشقي مي‌تواند در شناخت پيش از ازدواج تأثيري داشته باشد يا نه، گرفتيد؟ مي‌پرسيد چرا علاقه‌مند شدن به طرف مقابل را با خريد لباس مقايسه کرده‌ايم؟ مي‌گويد ازدواج مساله مهم‌تري است و قابل مقايسه با خريد نيست؟

حرف‌هاي‌تان کاملا درست است بنابر اين اگر شما براي خريد يك لباس نياز به چشم‌هاي باز داريد، چگونه ممکن است براي ازدواج، که قرار است يك عمر طول بکشد، به چشم‌هاي باز نياز نداشته باشيد. عشق آدم‌ها را کور مي‌کند.

وقتي چشم‌هاي‌تان را روي حقيقت وجودي يك نفر به علت علاقه به او مي‌بنديد ديگر متوجه اشکالاتش نخوايد شد و همه آنها را

پذیرا خواهید بود.

بگذارید در این باره از پرونده يك دختر بیست و هفت ساله به نام آيسا نمونه‌اي را یادآوری کنیم. آيسا مدتی با مردی جوان آشنا شد و پس از آن که خانواده مرد به خواستگاري آيسا آمدند، قرار شد این دو جوان چند بار با هم ملاقات داشته باشند تا یکدیگر را بهتر بشناسند.

آيسا تک‌فرزند يك خانواده ثروتمند است و والدینش هر چه داشته اند صرف او کرده اند تا دختری کامل باشد. او از همان روزهای اول عاشق خواستگارش شد.

به همین علت بیشتر فرصتی را که خانواده‌های آنها در اختیارشان قرار می‌دادند صرف حرف‌های شاعرانه می‌شد.

یکی از آنها غزلی می‌خواند و آن دیگری قطعه‌ای ادبی پاسخش را می‌داد، یکی درباره رمان‌های عاشقانه‌ای که خوانده بود حرف می‌زد و آن یکی آرزوهایش را از زندگی رویایی می‌گفت که در آن مهم‌ترین دغدغه‌شان، رنگ موکت و پرده‌های خانه‌شان بود.

پدر و مادر آيسا به اندازه او از این آشنایی خوشحال نبودند. آنها اعتقاد داشتند جوانی که به خواستگاري دخترشان آمده است به هیچ وجه مناسب نیست چرا که شغلی نداشت، دیپلم ردی بود، ادب اجتماعی را نمی‌دانست و حتی رفتارهایی از او دیده بودند که حدس می‌زدند دست بزن داشته باشد.

آيسا اما گوشش بدهکار نبود و پا تویی يك کفش کرد که با این مرد ازدواج کند. چشم‌هایش دقیقاً مثل کسی که مجذوب کالای پشت ویتترین شده باشد، رو به حقیقت کور شده بود و حتی وقتی مرد در دوران نامزدی دو بار او را در خیابان کتک زد و به او فحش داد، کل ماجرا را انکار کرد و درباره کبودی صورتش هم به همه گفت زمین خورده است و حتی پدر و مادرش را قانع کرد که با ازدواج آنها موافقت کنند.

فکر می‌کنید حالا که چهار سال از آن دوران گذشته است، یعنی حالا که دیگر در تب و تاب عاشقی نیست، آيسا در چه شرایطی باشد؟ او يك دختر بچه دو ساله دارد که قرار است تا چند ماه دیگر فرزند طلاق شود، او يك پرونده طلاق دارد با مردی که می‌گوید: آنقدر طلاقش نمی‌دهد که موهایش رنگ دندان‌هایش شود، او پدر و مادری بیمار دارد که همه می‌گویند از غصه زندگی تلخ دخترشان زمینگیر شده‌اند، او بیش از 50 بار در این مدت از شوهرش کتک‌خورده است و دیگر هیچ‌کس حرفش را باور نمی‌کند، وقتی می‌گوید: باز هم زمین خورده‌ام. وضع امروز زندگی آيسا فقط به این دلیل است که او چهار سال پیش به جایی آن که به رفتارهای خواستگارش دقت کند و پی ببرد که او خوشونتگرا و بد دهن است، داشت غزلیات عاشقانه شاعران قرون مختلف را مرور می‌کرد و نمی‌خواست حقیقت را باور کند. به عبارتی دیگر هرچند خداوند با او مهربان بود و نشانه‌ها را به او نمایانده بود، اما او نخواست در انتخاب راه زندگی‌اش از این نشانه‌ها سود ببرد.

حالا شما هم با ما موافقید که با احساساتی‌شدن در مرحله شناخت و دل بستن به طرف مقابل فقط شرایط را برای خودتان سخت خواهید کرد؟ به هر حال اگر این فرد برای زندگی با شما مناسب باشد، شما زمان زیادی برای تمرین دل بستن به او و عاشقی در آینده خواهید داشت و اگر برای شما مناسب نباشد چه لزومی دارد که آگاهانه با احساسات خودتان بازی کنید؟!

نگفتنی‌ها

ما در این صفحه بخشی از مطالب‌مان را به پرسش‌هایی اختصاص داده‌ایم که شما باید در مرحله شناخت از طرف مقابل آنها را مطرح کنید، اما یادتان باشد همه اتکای‌تان نباید بر پرسش و پاسخ باشد و شناخت فقط بر این اساس به دست نمی‌آید یعنی بخشی از آگاهی ما نسبت به دیگری، بر اساس رفتارهای اوست و چه بسا میان پاسخ‌های طرف مقابل و رفتارش از زمین تا آسمان فرق باشد.

برای نمونه ممکن است کسی در پاسخ به این که «« آیا شما فرد خوشونت‌طلبی هستید؟» بگوید: «« هرگز. من بشدت آرام و ملایم هستم.» اما در عوض، در رفتارش نشان دهد که پرخاشگر است مثلاً هر بار که با هم بیرون می‌روید یا با دیگران کتک‌کاری می‌کند یا به اشیا آسیب می‌زند که همه اینها گویای پرخاشگر بودن اوست.

بر این اساس بهتر است طرف مقابل را از نظر ویژگی‌های رفتاری نیز بسنجید و حتی امکان دارد در این مرحله چهره واقعی او را ببینید و دریابید که برای ازدواج مناسب نیست. می‌پرسید مثلاً چه نوع افرادی ممکن است برای ازدواج مناسب نباشند:

– قانون‌شکن‌ها:

آنها افراد خطرناكي هستند. چگونه مي‌توانيد مطمئن باشيد كسي كه به قوانين جامعه‌اش پاييند نيست به عهدش با شما وفادار بماند؟

- پرخاشگرها:

آنها غيرقابل تحمل هستند. آيا مي‌توانيد زندگي را تاب بياوريد كه در آن شريك‌تان هر بار چيزي باب طبعش نيست دست روي شما بلند كند يا با حرف‌هاي ناجور شما را بيازارد يا خشمش را بر سر اشياي اطراف‌تان خالي كند و با اين روش مضطرب‌تان كند؟

- وسواسي‌ها:

اين گروه را بايد دريابيد. نمي‌شود با اطمينان به اين پرسش پاسخ داد كه آيا واقعا ممكن است با يك وسواسي زندگي سعادت‌مندانانه داشت يا نه.

شايد اگر كسي ماهيت وسواس را كاملا درك كند و شناخت دقيقي از آن به دست بياورد، بتواند تحمل كند كه شريك زندگي‌اش رفتارهاي وسواسي از خودش بروز بدهد، مثلا مي‌پذيرد كه طرف مقابل ده‌ها بار يك برخورد ساده را با ديگري مرور كند و از همسرش هم بپرسد كه آيا رفتارش درست بوده يا آيا فلاني منظوري داشته است؟ يا بپذيرد كه طرف مقابل 10 - 15 بار دستش را در هر دفعه دستشويي رفتن آب بكشد يا حتي هر بار كه دستشويي مي‌رود يك بار هم دوش بگيرد يا بپذيرد كه همسرش، هر وقت مي‌خواهد جايي بنشيند آنجا را دستمال بكشد و

- عصبي‌ها:

سر هر مساله پيش پا افتاده‌اي از كوره در مي‌روند. فكرش را بكنيد كسي كه سر قيمت كالابي شروع به هوار زدن و ابراز نارضايتي مي‌كند، در برابر چالش‌هاي بزرگ زندگي چگونه رفتار خواهد كرد؟

- خسيس‌ها:

آيا وقتي با او هستيد پرداخت هزينه‌هاي خوراكي‌ها و رفت و آمدتان را قبول مي‌كند؟ اگر پاسخ‌تان منفي است و مي‌خواهيد حتما او را انتخاب كنيد، دست‌كم فكري به حال تامين خرج و مخارج زندگي‌تان از منبعي بجز جيب او داشته باشيد.

- دروغگوها:

در هيچ لحظه‌اي، از موقعيت واقعي‌تان در زندگي مطمئن نيستيد چون نمي‌دانيد او براي حفظ منافعش در حال دروغ گفتن به شماست يا واقعيت را به زبان مي‌آورد. براي او اين مهم است كه منافعش، به حقيقت نزديك‌تر باشد يا دروغ.

علاوه بر اينها، مجموعه‌اي از ويژگي‌هاي ناخوشايند ديگر نيز وجود دارد كه گرچه شايد بر اساس آمارها، جزو اصلي‌ترين ويژگي‌هاي بدئي كه باعث طلاق مي‌شود، نباشد اما ممكن است بر اساس ساختار شخصيتي شما براي‌تان اهميت ويژه‌اي داشته باشد.

براي مثال اگر شما فردي هستيد كه سر وضع‌تان براي‌تان بشدت مهم است، بدلباسي طرف مقابل دنياي‌تان را تيره و تار مي‌كند. در حالي كه اگر نوع لباس پوشيدن خودتان براي‌تان مهم نباشد، بدلباسي همسر آينده‌تان هم گرچه به چشم‌تان مي‌آيد، اما آنقدر مهم نيست كه گمان كنيد نمي‌توانيد با او زير يك سقف زندگي كنيد.

بعدا به او علاقه‌مند مي‌شوم

حتي بر اساس احاديث اسلامي، دو نفري كه قصد دارند با هم ازدواج كنند حق دارند پيش از ازدواج به هم نگاه كنند البته به شرطي كه اين نگاه براي لذتجويي نباشد و براي ازدواج لازم باشد. ما پيشتر گفتيم كه به‌هيچ‌وجه در مرحله آشنائي، قرار نيست دلبسته طرف مقابل شويد بلكه شما در حال آزمون گرفتن از او هستيد و مي‌خواهيد بفهميد آيا او لياقت زندگي مشترك با شما را دارد؟ آيا

ویژگی‌های اخلاقی‌اش با شما جور است؟ و... .

اما دقت داشته باشید که اگر گفتیم دل بسته نشوید معنایش این نیست که اصلاً به جنبه‌های جسمی ارتباط با او فکر نکنید. اگر خواهیم رک و بی‌پرده حرف بزنیم منظورمان این است که وقتی ویژگی‌های روانی فردی را پسندیدید به او نگاه کنید و از خود بپرسید: «#171 آیا من ظاهر این فرد و ویژگی‌های جسمی‌اش را برای برقراری ارتباط زناشویی می‌پسندم؟»

شاید به نظر شما این پیشنهاد ما گستاخانه باشد، اما باید باور کنید که شمار زیادی از زوج‌هایی که به روان‌شناس‌ها مراجعه می‌کنند از ظاهر یکدیگر نیز در ارتباط زناشویی ناراضی‌اند.

چی بپرسم‌ها

حدود یک ماه پیش خانواده‌های سیما و رضا به آنها اجازه دادند یکدیگر را هفته‌ای یک بار در پارک ببینند و با هم در گفت‌وگویی یک ساعته، بیشتر آشنا شوند تا بفهمند که آیا ویژگی‌های اخلاقی آنها برای هم مناسب است یا نه.

مشکل سیما و رضا اما مثل بیشتر زوج‌ها این است که آنها نمی‌دانند در فرصتی که برایشان در نظر گرفته شده است چه نوع مسائلی را از هم بپرسند که شمای کلی از شیوه زندگی یکدیگر را درک کنند.

به همین خاطر مسائلی را می‌پرسند که اهمیتی ندارد و فقط باعث گذرانی می‌شود. مثلاً رضا می‌پرسد: «#171 شما از چه رنگی بیشتر خوش‌تان می‌آید؟» سیما می‌گوید: «#171 قول می‌دهید هیچ‌وقت به من بی‌احترامی نکنید؟» و باز رضا می‌پرسد: «#171 شما از این پارک خوش‌تان می‌آید یا برویم یک پارک دیگر حرف بزنیم؟» و سیما با ناز می‌گوید: «#171 فرمودید چه غذایی بیشتر دوست دارید؟»

می‌خواهید بدانید کدام دسته از پرسش‌ها واقعا سرنوشت ساز است و حتماً باید آنها را از طرف مقابل بپرسید:

1 - درباره هدفش از ازدواج سوال کنید؟

2 - حتماً باید بدانید که آیا ازدواجش به میل خودش است یا به اصرار خانواده و دوستان قصد ازدواج کرده است؟

3 - از معیارش را برای انتخاب همسر مطلع شوید و سپس بپرسید که چرا شما را انتخاب کرده است؟

4 - او پس از ازدواج چه توقعاتی از شما خواهد داشت؟

5 - وضع شغلی‌اش چیست؟

6 - وضع شغلی شما پس از ازدواج چگونه خواهد بود؟

7 - اگر پسر است از او سوال کنید آیا به سربازی رفته است؟

8 - تا چه حد استقلال مالی دارد و آیا هم اکنون توانایی اداره کردن یک زندگی مستقل را دارد.

9 - درآمد متوسطش چقدر است؟

10 - باورهای دینی‌اش در چه حدی است و تا چه اندازه به مسائل مذهبی پایبند است؟

11 - چه میزان تحصیل کرده است؟

12 - آیا خانواده او نیز با ازدواج شما موافق هستند؟

- 13 - درباره خانواده اش بیشتر توضیح بخواهید مثلا تحصیلات و شغل پدر و مادرش چیست، چند خواهر و برادر دارد و چگونه زندگی می‌کنند؟
- 14 - تا چه حد به تساوی حقوق زن و مرد اعتقاد دارد؟
- 15 - مایل است پس از ازدواج کجا زندگی کند؟
- 16 - تفریحاتش چیست؟ باید دقیقا برایتان توضیح بدهد که یک روز تعطیل را چگونه می‌گذراند.
- 17 - آیا او بیماری خاصی دارد یا داروی خاصی مصرف می‌کند؟
- 18 - آیا سیگار می‌کشد؟
- 19 - آیا از زندگی مشترک انتظار صاحب فرزند شدن هم دارد؟
- 20 - چند بچه می‌خواهد؟
- 21 - باید در پرسش‌هایی‌تان این نکته را حتما مطرح کنید که به طور کلی برنامه‌اش برای آینده چیست و می‌خواهد چه کند؟ برای مثال آیا قصد دارد به خارج از کشور سفر کند یا شغلش را تغییر دهد یا ادامه تحصیل دهد؟
- 22 - آیا او پیش‌تر ازدواج کرده است؟
- 23 - مهم است که بپرسید او تا چه حد به مشارکت در امور خانه معتقد است.
- 24 - به او بگویید همین حالا ده ویژگی بد و ده ویژگی خوب خودش را نام ببرد.
- 25 - از او بخواهید توضیح دهد که تا چه حد به رفت و آمد با دیگران مثلا خانواده‌های مان و دوستان اعتقاد دارد؟
- 26 - نظرش را درباره مهریه و شروط ضمن عقد سوال کنید.
- 27 - برنامه‌های آینده‌تان را برای او شرح دهید و سپس بپرسید آیا با ادامه این برنامه‌ها موافق است و با شما برای به سرانجام رسیدنشان همکاری می‌کند؟ (جام جم - ضمیمه چاردیواری)
- علی یوشی زاده